

نگاهی به ویژگی‌های بنیادین زیارت: تحلیلی دینی - روان‌شناختی

مجتبی‌حیدری *

چکیده

پژوهش حاضر به منظور مطالعه برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های زیارت که اموری بنیادین در امر زیارت به شمار می‌روند، انجام گرفته است. در این مطالعه، روش تحقیق، توصیفی تحلیلی و نوع تحقیق، کتابخانه‌ای است.

برای زیارت مراقد مطهر اهل بیت علیهم‌السلام می‌توان ویژگی‌های بسیاری برشمرد؛ اما ویژگی‌های اصلی معدودند و مابقی ویژگی‌های فرعی‌اند و ذیل ویژگی‌های اصلی و پایه می‌گنجد. یافتن این ویژگی‌های بنیادین و توجه به آنها در امر زیارت، نقش مهمی در ارتقای عمل زیارت اماکن مقدس خواهد داشت. که در این نوشتار به ویژگی‌های اصلی همچون تجلی توجه به خدا، نمایش تام به اهل بیت علیهم‌السلام، احساس حضور، معنابخشی به زندگی، کاهش دلبستگی به دنیا، و ایجاد ارتباط با خدا و اولیای الهی دست یافته‌ایم

کلیدواژه‌ها: زیارت، ویژگی‌های زیارت، تحلیل دینی، روان‌شناختی زیارت.

* . دکترای روان‌شناسی، عضو گروه اخلاق و اسرار پژوهشکده حج و زیارت. m.heidari@gmail.com

«زیارت» در لغت دیدار کردن با قصد را گویند. در ریشه این واژه مفهوم میل و گرایش نهفته است؛ گویی زائر از دیگران روی گردانیده و به سوی زیارت شونده میل کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۸۷). زیارت همچنین بزرگداشت کسی یا چیزی است که در قلب زائر از تقدس برخوردار است.

زیارت را می‌توان یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین «شعائر اسلامی» دانست. گاهی زیارت قبور بزرگان و اولیای الهی موجب دگرگونی روحی و معنوی بسیاری از زائران می‌شود؛ بدین صورت که زائرانی در تأثیرپذیری از زیارت قبور اولیای الهی غرق در سودای همانندی با آنان شده و بر اثر مجاهدت‌های پیگیر، چشم‌اندازی از شخصیت علمی و معنوی آنان شده‌اند. نیز چه بسا زائرانی که کبوتر دلشان سخت در دام دلدادگی به مزور گرفتار آمده و در پی آن برای همیشه دل از خانه و کاشانه کنده، تا پایان عمر در جوار او اقامت گزیده و در نهایت همان جا به خاک سپرده شده‌اند. بنابراین اگر زیارت پیراسته از آفات و آمیخته با معرفت باشد، می‌تواند در سرنوشت شخص و جامعه نقش آفرین باشد و چشم‌انداز درخشانی فراراه آنان قرار دهد (طاهری، ۱۳۹۳، ص ۱۵-۱۶).

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که زیارت اماکن مقدس (مانند زیارت خانه خدا) و مراقد مطهر اولیای الهی چگونه است که از چنین آثار و کارکردهایی برخوردار است و چه ویژگی‌هایی دارد که این کارکردهای مهم را در پی می‌آورد؟

برخی ویژگی‌های زیارت اهمیتی بنیادین دارند و بعضی نیز در درجه دوم اهمیت‌اند. آثار و کارکردهای اصلی زیارت عمدتاً برخاسته از ویژگی‌های دسته اول است. در این نوشتار، به توضیح این ویژگی‌های پایه زیارت با تحلیلی دینی - روان‌شناختی می‌پردازیم.

۱. زیارت؛ نمود و تجلی یاد خدا

ما مسلمانان اعتقاد راسخ داریم که خدای متعال، به همه مکان‌ها و زمان‌ها اشراف

دارد، به همه چیز آگاه است، بندگان خود را می بیند و رفتارهایشان را زیر نظر دارد. پس روی خود را به هر سو که برگردانیم همان سو «وجه الله» است؛ چنان که خداوند می فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ «مشرق و مغرب، از آن خداست و به هر سو رو کنید خدا آنجاست. خداوند بی نیاز و داناست» (بقره: ۱۱۵).

براین اساس ما بندگان نیز باید خود را همواره در محضر خداوند ببینیم. این امر در موقعیت زیارت به بهترین وجه حاصل می شود؛ بدین شکل که زیارت صرفاً گفت و گو و عرض ارادت به اولیای الهی نیست، بلکه زائران اهل بیت علیهم السلام، با خدای خود نیز سخن می گویند و او را با تمام وجود حس می کنند، خود را در عالمی برتر می بینند، عقده دل در برابر خدا می گشایند و آنچه را به دیگران نمی توانند بگویند با خدای خود در میان می گذارند و از این طریق به بهره معنوی کامل می رسند.

متن زیارتنامه ها مملو از عبارات و دعاهایی است که در آنها زائر روی خود را مستقیماً متوجه پروردگار می سازد و با او به راز و نیاز و گفت و گو و دعا می پردازد؛ مثلاً در زیارت امین الله می خوانیم:

اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُظْمِنَةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ، مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ، مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ، صَابِرَةً عَلَى نُزُولِ بَلَائِكَ، شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ، ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آيَاتِكَ، مُشْتَاقَةً إِلَى فَرْحَةِ لِقَائِكَ، مُتَزَوِّدَةً مِنَ التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتَتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ، مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَشَنَائِكَ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۴۰).

خداوندا، مرا برخوردار از آرامش در برابر تقدیرت، راضی به قضایت، حریص به ذکر و دعایت، دوستدار دوستان برگزیده ات، محبوب در زمین و آسمانت، شکیبا بر نزول بلایت، سپاسگزار در برابر نعمت های بسیاریت، به یاددارنده نعمت های فراوانت، مشتاق شادی دیدارت، بردارنده توشه تقوا برای روز جزایت، پیرو روش های اولیایت، دوری گزیننده از اخلاق دشمنانت و سرگرم از

دنیا به حمد و ثنایت قرار بده.

همچنین نماز زیارت و دعاهای وارد شده برای خواندن پس از آن به بهترین وجه ما را متوجه حضور در محضر پروردگار و ساییدن سر بر آستان وی می سازد؛ برای مثال در بخشی از دعای پس از زیارت امام جواد علیه السلام می خوانیم:

اللَّهُمَّ أَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْمَرْبُوبُ وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ وَأَنْتَ الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ وَأَنْتَ الْمُعْطِي وَأَنَا السَّائِلُ وَأَنْتَ الرَّازِقُ وَأَنَا الْمَرْزُوقُ وَأَنْتَ الْقَادِرُ وَأَنَا الْعَاجِزُ وَأَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ وَأَنْتَ الْمُغِيثُ وَأَنَا الْمُسْتَعِيثُ وَأَنْتَ الدَّائِمُ وَأَنَا الزَّائِلُ وَأَنْتَ الْكَبِيرُ وَأَنَا الْحَقِيرُ وَأَنْتَ الْعَظِيمُ وَأَنَا الصَّغِيرُ وَأَنْتَ الْمُؤَلَى وَأَنَا الْعَبْدُ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الدَّلِيلُ وَأَنْتَ الرَّفِيعُ وَأَنَا الْوَضِيعُ وَأَنْتَ الْمُدْبِرُ وَأَنَا الْمُدْبَرُ وَأَنْتَ الْبَاقِي وَأَنَا الْفَانِي وَأَنْتَ الدَّيَّانُ وَأَنَا الْمُدَّانُ وَأَنْتَ الْبَاعِثُ وَأَنَا الْمُبْعُوثُ وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ وَأَنْتَ الْحَيُّ وَأَنَا الْمَيِّتُ، تَجِدُ مَنْ تُعَذِّبُ يَا رَبِّ غَيْرِي وَلَا أَحَدٌ مَن يَرْحَمُنِي غَيْرَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَرِّبْ فَرَجَهُمْ وَارْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَضَرَّعِي إِلَيْكَ وَوَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ وَأُنْسِي بِكَ يَا كَرِيمٌ.

خدایا، تویی پروردگار و منم پرورش یافته [لطف و احسان تو]. تویی آفریدگار و منم آفریده. تویی مالک [ملک هستی] منم ملک و مملوک. تویی بخشنده و منم خواستار عطا و بخشش. تویی روزی بخش و منم روزی خور. تویی توانا و منم ناتوان. تویی قوی و منم ضعیف. تویی فریادرس و منم فریادخواه. تویی جاودان و منم فناپذیر. تویی بزرگ و منم حقیر. تویی عظیم و منم کوچک. تویی مولا و منم بنده. تویی عزیز و منم ذلیل. تویی بلندمرتبه و منم پست و دون پایه. تویی تدبیرکننده [جهان] و منم تحت تدبیر [تو]. تویی باقی و منم فانی. تویی حاکم و منم محکوم به گناه. تویی برانگیزاننده مردگان از گور و منم برانگیخته. تویی بی نیاز و منم فقیر. تویی زنده جاودان و منم محکوم به مرگ. تو کسی جز

من رامی یابی که عذابش کنی، ولی من جز تو را نمی یابم که به من ترحم ورزد. خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج آنان را نزدیک فرما و به ذلتم در پیشگاهت، وزاری ام به درگاهت، و احساس بیگانگی و دلتنگی ام از مردم، و انس و الفت من به توبه من رحم کن (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۹، ص ۲۱-۲۲).

۲. زیارت؛ نمایش تام و تمام توجه به اهل بیت علیهم السلام

در فرمایشات معصومان علیهم السلام بر توجه به اهل بیت علیهم السلام بسیار تأکید شده است؛ برای مثال امام علی علیه السلام فرمود: «ذُكِرْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ شِفَاءً مِنَ الْعِلَلِ وَالْأَسْقَامِ وَوَسْوَاسِ الرَّيْبِ»؛ (شیخ صدوق، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۶۲۵)؛ «یاد ما اهل بیت شفا بخش بیماری ها و ناخوشی ها و درمانگر وسوسه شک است».

زیارت توجه به اهل بیت علیهم السلام در همه اشکال آن است؛ چنان که زائر از ایشان یاد می کند، با آنان گفت و گو می کند و ارادت و محبت خود را ابراز می دارد، مصائبی را که متحمل شده اند بیان می کند، فضایل ایشان را توصیف می کند و به آنان در برآورده شدن حاجت های دنیوی و اخروی توسل می جوید. زیارتنامه های اهل بیت علیهم السلام در واقع ابزارهایی برای توجه به اهل بیت علیهم السلام هنگام زیارت ایشان است؛ برای مثال زیارت جامعه کبیره - که در همه اعتبار مقدسه ائمه بزرگوار خوانده می شود - به بهترین وجه همه گونه یاد اهل بیت علیهم السلام را با خود دارد. به بخشی از فقرات آغازین این زیارت عظیم القدر توجه می کنیم:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ التُّبُّوَّةِ وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَمَهَبِطِ
الْوَحْيِ وَمَعْدِنِ الرَّحْمَةِ وَحُزْنِ الْعِلْمِ وَمُنْتَهَى الْحَلِيمِ وَأُصُولِ الْكَرَمِ وَقَادَةَ الْأُمَمِ
وَأَوْلِيَاءِ النَّعْمِ وَعَنَاصِرِ الْأَجْرَارِ وَدَعَائِمِ الْأَخْيَارِ وَسَاسَةَ الْعِبَادِ وَأَرْكَانِ الْبِلَادِ وَ
أَبْوَابِ الْإِيمَانِ وَأَمْنَاءِ الرَّحْمَنِ وَسُلَالَةَ النَّبِيِّينَ وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ وَعِثْرَةَ خَيْرَةِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ؛ (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۰).

زیارت حضور در دیار دوست، دیدار مشتاقانه با مزور، عرض ارادت و خضوع و فروتنی در برابر اوست. امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید:

إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَشِيعَتِهِ وَإِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَحُسْنِ
الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَتَصَدِيقًا بِمَا رَغِبُوا فِيهِ كَانَ
أُئِمَّتُهُمْ شُفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (كلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۶۷).

همانا برای هر امامی پیمانی برعهده دوستان و پیروان اوست و وفای کامل به آن پیمان و ادای نیک آن اقتضا می‌کند که قبور ایشان را زیارت کنند. پس کسی که با رغبت و تصدیق به آنچه ایشان به آن رغبت داشتند آنان را زیارت کند امامانشان نیز در روز قیامت شفیعانشان خواهند بود.

۳. زیارت؛ تجربه دینی و احساس حضور

یکی از مباحث روان‌شناسی دین تجربه دینی است. درباره معنای تجربه دینی بحث‌های بسیاری میان صاحب‌نظران درگرفته است. برای درک مفهوم این اصطلاح، لازم است ابتدا منظور از «تجربه» را در اینجا بدانیم. به طور خلاصه می‌توان گفت تجربه واقعه‌ای است که شخص از سر می‌گذراند (خواه در مقام عامل و خواه در مقام ناظر) و به آن آگاه است. ما تجربه‌های بسیار متنوعی داریم؛ اما در اینجا تجربه دینی در نظر است. تجربه دینی را غیر از تجربه‌های متعارف می‌دانند؛ یعنی شخص متعلق این تجربه را موجود یا حضوری مافوق طبیعی (خداوند یا تجلی خداوند در یک فعل) می‌داند یا آن را موجودی که به گونه‌ای با خداوند مربوط است می‌انگارد (تجلی خداوند یا شخصیتی مانند یکی از اهل بیت علیهم‌السلام) یا آن را حقیقتی غایی و توصیف‌ناپذیر می‌پندارد. بنابراین تجربه دینی مستلزم نوعی مواجهه با خداوند یا امرالوهی است (آذربایجانی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۷).

تعریف ارائه شده صرفاً به حوزه شناختی انسان مربوط می‌شود که به معنای شناخت و دریافت مستقیم و حضوری است؛ اما دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که تجربه دینی را شامل احساسات شهودی و عاطفی هم می‌داند. متفکرانی همچون شلایرماخر (Schleiermacher, F) و ویلیام جیمز (William James) مفهوم تجربه را وسیع‌تر گرفتند تا شامل

همه محتوای آگاهی - به ویژه با توجه به احساسات شهودی و عاطفی که سهم به سزایی در زندگی مذهبی دارند - بشود. این دانشمندان مفهوم تجربه دینی را به گونه‌ای تعریف کردند که دایره شمولی گسترده‌تر از احوال و مکاشفات عرفانی داشته باشد تا بتوانند تجربه عرفانی را نوع پیشرفته تجربه دینی معرفی کنند (لگن هاوسن، ۱۳۷۹، ص ۶-۷). مطابق این دیدگاه، تجربه دینی تجربه هرانسانی در ارتباط با خداست. به طور خلاصه مهم‌ترین عناصر تجربه دینی به معنای عام آن را می‌توان چنین برشمرد:

الف) برخوردار شدن از احوال عرفانی (مهم‌ترین و محوری‌ترین ویژگی تجارب دینی)؛

ب) احساس حضور خداوند یا موجودی روحانی؛

ج) برخوردار شدن از التفات و توجه (لطف و عنایت و رحمت و محبت) از عالم بالا؛

د) برانگیختگی عاطفی - هیجانی و احساس بهجت و لذت توأم با وقار و هیبت (آذربایجانی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۹).

از آیات و روایات استفاده می‌شود که انسان در این عالم می‌تواند از تعلقات مادی و دنیوی دل بکند؛ تا آنجا که همه حجاب‌ها از فراروی او کنار روند و بین او و خداوند [یا اولیای الهی] حجابی باقی نماند و به مشاهده و درک کامل جلوات الهی نایل آید (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۰).

توجه به این نکته لازم است که افزون بر عبادت و بندگی و تلاش در راه قرب الهی، قرار گرفتن در حال و هوای معنوی والا تأثیر به سزایی در تجربه حال خوش معنوی و عرفانی دارد. بین فضای معمولی و مکان مقدس تفاوت بسیاری است. به یقین در موقعیت دوم امکان وقوع تجربه دینی و عرفانی بسیار بیشتر از موقعیت اول است. بر این اساس برخی زائران، که از آمادگی روحی و معنوی لازم برخوردارند، با حضور در اماکن مقدس و در پی عبادت به کشف و شهود عرفانی نائل می‌آیند؛ چنان‌که ارتباطی قوی و بی‌واسطه با خداوند یا معصوم زیارت شده برقرار، و او را با تمام وجود احساس می‌کنند (حیدری، ۱۳۹۷، ص ۸۴).

این احساس حضور لذتی وصف ناپذیر و مقایسه ناشدنی بالذات های دنیایی دارد؛ به علاوه می تواند با حالاتی هیجانی همچون خشوع و خضوع، شکرگزاری و قدردانی، خوف و خشیت و شرم و خجالت همراه باشد و آزاد متناسب با حال و روحیه خود از این موقعیت نهایت بهره را ببرند. در فرازهایی از دعای ندبه، که در واقع زیارتنامه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، می توان این حس حضور را مشاهده کرد:

بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي لَكَ الْوَقَاءُ وَ الْحَمَى ... لَيْتَ شِعْرِي، أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ
 النَّوَى، بَلْ أَيُّ أَرْضٍ تُثَقِّلُكَ أَوْ تُرَى، أِبْرَضَوِي أَوْ غَيْرَهَا مِنْ ذِي طَوَى، عَزِيْزُ عَلَيَّ أَنْ
 أَرَى الْخَلْقَ وَ أَنْتَ لَا تُرَى، وَ لَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيْسًا وَ لَا نَجْوَى، عَزِيْزُ عَلَيَّ أَنْ تُحِيْطَ
 بِكَ دُوْنِي الْبَلْوَى، وَ لَا يِنَالِكَ مِنِّي صَجِيْحٌ وَ لَا سَكْوَى ... مَتَى نَرِدُ مَنَاهِلَكَ الرَّوِيَّةَ
 فَتُرْوَى، مَتَى نَسْتَنْفِعُ مِنْ عَذْبِ مَا نِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى، مَتَى نُعَادِيكَ وَ نُرَاوِحُكَ
 فَتُقَرِّعِيُونَنَا، مَتَى تَرَانَا وَ تَرَكَ وَ قَدْ نَسَرْتَ لِيَوَاءِ النَّصْرِ تُرَى. أَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَ
 أَنْتَ تَتَوَّمُ الْمَلَأَ، وَ قَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَ أَدَقَّتْ أَعْدَاءُكَ هَوَانًا وَ عِقَابًا، وَ أَبْرَتَ
 الْعُتَاةَ وَ جَحْدَةَ الْحَقِّ، وَ قَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِيْنَ، وَ اجْتَنَنْتَ أَصُولَ الظَّالِمِيْنَ، وَ
 نَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۵۸۰-۵۸۲).

۴. زیارت؛ معنا بخش به زندگی

خلأ وجودی، پدیده ای بسیار گسترده و شناخته شده در دوران ماست؛ چنان که امروزه افراد بی شماری از احساسی به نام بی معنایی زندگی رنج می برند و زندگی را پوچ می بینند. بر این اساس تلاش برای یافتن معنای زندگی نیرویی اصیل و بنیادی است (فرانکل، ۱۳۸۵، ص ۱۴۱) و چیزی بیش از این انسان را در زندگی یاری نمی کند (همان، ص ۱۵۶).

به همین دلیل انسان ها از راه های مختلف تلاش می کنند برای خود معنایی در زندگی بیابند و از احساس پوچی رها شوند. مهم ترین راه یافتن معنا در زندگی دین است؛ به عبارت دیگر ادیان الهی به دنبال بازگویی بهترین و کامل ترین معنا برای زندگی انسان اند

و تفسیر نظام عالم و معنا بخشی به آن را در صدر تعالیم خود قرار داده اند؛ چرا که یکی از معیارهای اصلی مقبولیت یک جهان بینی معنا بخشیدن به زندگی است (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۸۴).

روان شناسان و فیلسوفان اگزیستانسیالیست نیز یکی از دلایل مهم گرایش به دین را معنا جویی برای زندگی می دانند. آنان بر این باورند که علت عمده نابسامانی های روانی مابقی معنا بودن زندگی است. به باور آنان، اگر ندانیم چرا باید زندگی کنیم، در حقیقت زندگی نمی کنیم و فقط به حیات بیولوژیک خود ادامه می دهیم. پس انتظار آدمیان از دین این است که از طریق معنا بخشیدن به زندگی آنان را از وضع و حال موجود نامطلوب به وضع و حال مطلوب برساند (ملکیان، ۱۳۸۰، ص ۱۱۲).

دین، با به حساب آوردن حیات اخروی انسان، به رنج های او در زندگی دنیوی معنا می بخشد و از این طریق انسان را در تحمل آن یاری می دهد. دین با ارائه تعاریفی جدید از کامیابی و ناکامی نشان می دهد که اگر انسان با نگاهی عمیق تر و با در نظر داشتن حیات اخروی در حال اهل رذیلت و فضیلت بنگرد، درمی یابد که خوشی های اهل فسق و فجور دوامی ندارد و خوشی پایدار فقط نصیب صاحبان فضیلت خواهد بود (امینی و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۳۱). تنها با یاد خداوند و گام نهادن در صراط مستقیم است که قلب انسان آرامش می یابد و از غلتیدن در ورطه پوچی و بی معنایی می رهد: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد: ۲۸).

آنچه گفتیم درباره اسلام نیز به اعلی درجه صدق می کند. اسلام در مقام کامل ترین دین الهی، و کتاب آسمانی آن قرآن کریم در مقام آخرین کتاب الهی بیشترین توجه را به مسئله معناداری زندگی داشته است. این دین بزرگ الهی همواره به دنبال آن بوده است که با به کارگیری ابزارهایی معنادار بودن زندگی را به پیروان خود گوشزد، و به این طریق از احساس تحیر، پوچی و افسردگی در آنان جلوگیری کند. یکی از این ابزارها اعمال عبادی به ویژه زیارت اماکن مقدس است.

اصولاً زیارت اماکن مقدس، به ویژه مراقد اهل بیت علیهم السلام، بدون اعتقاد به هدفمندی جهان و نیز روز بازپسین - که نیکوکاران در آن پاداش می‌گیرند و مجرمان به کیفر اعمال خود می‌رسند - معنا ندارد، زیارت این اعتقاد را تقویت، و از فراموشی آن جلوگیری می‌کند؛ از جمله زیارت خانه خدا به زائران گوشزد می‌کند که آنان بیهوده آفریده نشده‌اند و وظایف و مسئولیت‌هایی دارند که عمل به آنها بی‌پاداش نمی‌ماند و کوتاهی در آنها نیز مجازات الهی را در پی خواهد داشت. زیارت اماکن مقدس همچنین هدف اصلی زندگی دنیایی را به زائران یادآور می‌شود و به آنان می‌گوید که برای رسیدن به سعادت و کمال واقعی - که همان دستیابی به قرب الهی است - آفریده شده‌اند و هرگونه کوتاهی در این مسیر به زیان خود آنها تمام خواهد شد.

این امر درباره زیارت مراقد اهل بیت علیهم السلام نیز صادق است. آن پیشوایان مقدس از اعتبار بالایی نزد زائران برخوردارند و این اعتبار را از مقام و منزلتی که نزد خداوند دارند گرفته‌اند. حضور افراد در مراقد مطهر معصومان علیهم السلام موجب معنا یافتن زندگی آنان و ارزشمند شدن آن است. در واقع زیارت مراقد اهل بیت علیهم السلام معنا داشتن و هدفمندی زندگی را به افراد یادآور می‌شود.

۵. زیارت؛ کاهش دل‌بستگی به دنیا

دل‌بستگی یا عدم دل‌بستگی به امور مادی و دنیوی در زندگی انسان اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد؛ اما با وجود ارتباط با رفتار و فرایندهای روانی انسان چندان طرف توجه روان‌شناسان قرار نگرفته است. البته در روان‌شناسی مرضی، یکی از علایم مهم افسردگی کاهش سطح علاقه به امور دنیوی دانسته شده است (دادستان، ۳۸۶، ج ۱، ص ۲۷۱). چنین دیدگاهی هرچند می‌تواند به جای خود صحیح باشد، منظور ما در اینجا عدم دل‌بستگی به دنیا و امور مادی و در مقابل توجه به خداوند و امور معنوی است. قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام به این امر توجه کرده‌اند و در این باره اصطلاح «زهد» در مفاهیم اخلاقی اسلام مطرح شده است. زهد بی‌رغبتی به دنیا و رغبت به خدا در مقابل رغبت به دنیا و بی‌رغبتی به خداست. علت تقابل این دو با هم نیز ناسازگاری آنهاست؛ زیرا انسان خالی از رغبت نیست، اما

نمی‌تواند هم به دنیا و هم به خدا رغبت داشته باشد؛ چراکه رغبت به دنیا مانع رغبت به خدا و بندگی خداست؛ به عبارت دیگر انسان بنده خداست و اگر بخواهد در این بندگی صداقت داشته باشد و ثابت قدم بماند، باید رغبتش به دنیا کم شود؛ زیرا اگر عاشق و راغب به دنیا باشد، نمی‌تواند به وظایف خود در مسیر بندگی خداوند عمل کند و از رشد و کمال و سعادت بازمی‌ماند؛ چنان‌که در حدیث معراج می‌خوانیم:

يَا أَحْمَدُ لَوْ صَلَّى الْعَبْدُ صَلَاةَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَصَامَ صِيَامَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَطَوَى مِنَ الطَّعَامِ مِثْلَ الْمَلَائِكَةِ وَلَبَسَ لِبَاسَ الْعَارِي ثُمَّ أَرَى فِي قَلْبِهِ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا ذَرَّةً أَوْ سَمِعَتْهَا أَوْ رَأَسَتْهَا أَوْ حُلِيَّتَهَا أَوْ زِينَتَهَا لَا يُجَاوِزُنِي فِي دَارِي وَلَا تُنَزِعَنِي مِنْ قَلْبِهِ مَحَبَّتِي.

ای محمد، اگر بنده به اندازه نماز همه اهل آسمان و زمین نماز بگزارد و به اندازه روزه اهل آسمان و زمین روزه بگیرد و چون فرشتگان از طعام کناره گیرد و جامه فقرای برهنه را بپوشد، اما ذره‌ای از حب دنیا یا رفاه آن یا ریاست آن یا زیور و زینت آن را در دلش مشاهده کنم، هرگز در سرا و جوار من نخواهد بود و محبت خود را از دلش برخواهم کند (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۰۶).

زهد نداشتن نیست، بلکه دل نبستن به دنیا برای دل بستن به خداست. همچنین زهد هیچ مالی نداشتن یا خیلی ساده زندگی کردن نیست، بلکه یک فضیلت اخلاقی درونی است؛ به عبارت دیگر شخصی ممکن است بسیار ساده زندگی کند، اما زاهد نباشد؛ زیرا نتوانسته است بهتر از این زندگی کند و شدیداً دل بسته دنیا است. از طرف دیگر فرد ثروتمندی ممکن است در درون خود زاهد باشد و دل بسته به مالش نباشد. بنابراین بنده بودن و ایفای درست وظایف بندگی و طی مسیر کمال و سعادت در انسان مستلزم زهدورزی و قطع علاقه به دنیا است و اصولاً خداپرستی با دل بستگی به دنیا جمع نمی‌شود.

اما به هر حال انسان‌ها همگی در درجات بالای ایمان و دل بستگی به خدا و محبوبان

او قرار ندارند، بلکه در عین محبت به خدا و بزرگان دین دوستدار دنیا و زرو زیور آن نیز هستند. با این حال گاهی در برخی موقعیت‌ها چنان محبت به خدا و اولیای الهی بر قلب آنان جاری می‌شود که جایی برای دوست داشتن غیر خدا در آن نمی‌ماند. یکی از این موقعیت‌ها زیارت اماکن مقدس و مراقد ائمه اطهار علیهم‌السلام است.

هنگام زیارت، گاه برای زائر حالتی رخ می‌دهد که در آن چنان خود را به خدا یا اولیای او نزدیک می‌بیند که مهم‌ترین امور مادی - که تا آن زمان برای او بسیار ارزشمند بودند - در نظرش ناچیز می‌شود و خود را کاملاً فارغ از محبت آنها، و در مقابل مستغرق در دریای عظمت و کرامت خدا و جانشینان او بر روی زمین می‌بیند. بدین ترتیب می‌توان گفت یکی از حالاتی که برخی زائران در اماکن مقدس و هنگام زیارت خانه خدا یا مراقد اهل بیت علیهم‌السلام تجربه می‌کنند قطع یا کاهش دل بستگی به دنیا و مواهب آن است که البته منحصر به هنگام زیارت نیست. زیارت اماکن مقدس و مراقد مطهر اهل بیت علیهم‌السلام شناخت و درک افراد را اصلاح می‌کند و آنان را به شناختی عمیق از جایگاه والای خدا و معنویت، و در مقابل لزوم دل نبستن به زندگی دنیوی می‌رساند و همراه دائم آنان در زندگی خواهد بود.

۶. زیارت؛ صفای باطن و طهارت نفس

یکی از صفات نیک آدمی صفای باطنی و طهارت نفس از هرگونه صفت اخلاقی ناپسند است. اصولاً یکی از ویژگی‌های مهم انسان‌های سالم این است که وجود آنان از هر آلودگی (مثل صفات اخلاقی ناپسند از قبیل حسد، بخل، تکبر، حرص و طمع، کینه‌توزی، ترسو بودن و بدبینی) - که باعث تیرگی وجود و مانع صعود به درجات بالای معنوی و روحانی می‌شود - پاک است.

روان‌شناسی نیز صفات اخلاقی نامطلوب را با رویکردهای گوناگون توجیه و تبیین می‌کند؛ برای مثال روان‌تحلیلگری فروید (Freud، S)، بسیاری از این صفات را معلول

تثبیت (fixation) در مراحل پایین تحول روانی - جنسی (psycho-sexual development) قلمداد می‌کند که باعث می‌شود فرد از رشد شخصیت کافی برخوردار نشود. آلفرد آدلر (Adler, A)، صفات اخلاقی ناپسند را با طرح انواع سبک زندگی (life style) یا نقصان علاقه اجتماعی (social interest) تبیین می‌کند. رفتارگرایان عموماً آن را محصول یادگیری قلمداد می‌کنند و راه‌هایی از آن را نیز آموزش و تربیت می‌دانند. نظریه‌های صفات، صفات فرضی یا واقعی در وجود فرد را ریشه و ویژگی‌های اخلاقی ناپسند معرفی می‌کنند. نظریه‌های شناختی این صفات را معلول روان‌بنه‌های شکل‌گرفته در دوران کودکی می‌دانند که اصلاح آنها از طریق تغییر آن روان‌بنه‌ها میسر است (برای مثال، رک: فیست و دیگران، ۱۳۹۴).

به هر حال وجود این‌گونه خصلت‌های غیر اخلاقی برای خود فرد و نیز دیگران آزاردهنده و دارای عواقبی است. از نگاه اسلام، انسان موجودی مختار و برخوردار از اراده آزاد است و می‌تواند ویژگی‌های اخلاقی خود را اصلاح، و آنها را برطرف کند. در روایات اسلامی و نیز در کتب اخلاق راه‌هایی برای نجات از این صفات ناپسند و آزاردهنده ارائه شده است (برای مثال، رک: نراقی، ۱۴۰۰). یکی از این راه‌ها زیارت اماکن مقدس است؛ چراکه زیارت این اماکن، به ویژه مراقده مطهر اهل بیت علیهم‌السلام، باعث می‌شود زائر جایگاه بسیار والای خداوند به عنوان خالق هستی را یاد کند، موقعیت ممتاز اهل بیت علیهم‌السلام در عالم آفرینش را با دقت بنگرد، به ارزش و جایگاه بالای خود پی برد، به هدف اصلی زندگی خویش توجه کند و در نهایت بی‌ارزشی امیال و گرایش‌های نفسانی خود را با تمام وجود درک کند. اینها همه به انسان در جهت زدودن خصلت‌های ناپسند نفسانی یاری می‌رساند و انگیزه او را در این مسیر تقویت می‌کند. لذا می‌توان گفت یکی از نتایج مهم زیارت اماکن مقدس خلاصی نفس از ویژگی‌های نامطلوب اخلاقی و رسیدن به صفای باطن است. در بسیاری از دعاهایی که در زیارتنامه‌ها یا دعاهایی که پس از زیارتنامه‌ها خوانده می‌شوند، بر درخواست طهارت نفس و پاکی روح تأکید شده است؛ برای مثال در زیارت امین‌الله می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ مُؤَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ مُجِبَّةً
 لِمَصْفُوتِ أَوْلِيَائِكَ مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَايِكَ صَابِرَةً عَلَى نَزُولِ بَلَائِكَ شَاكِرَةً
 لِعَفْوِ نِعَمَاتِكَ ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آيَاتِكَ مُشْتَاقَةً إِلَى فَرْحَةِ لِقَائِكَ مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى
 لِيَوْمِ جَزَائِكَ مُسْتَتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا
 بِحَمْدِكَ وَثَنَائِكَ (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۴۰).

خدایا، قرار ده نفسم را آرام در برابر تقدیرت، خشنود به قضایت، حریص به ذکر و دعایت، عاشق به برگزیده دوستانت، محبوب در زمین و آسمانت، شکیبا بر نزول بلایت، سپاسگزار بر فزونی نعمت هایت، یادکننده عطاهاى کاملت، مشتاق به شادی لقایت، توشه برگیرنده تقوا برای روز پاداشت، پیرو روش های اولیایت، جداکننده [خویش] از اخلاق دشمنانت، غافل از دنیا به سپاس و ثنایت.

هر جمله این فراز درخواست طهارت و تزکیه نفس و آراسته شدن به فضایل اخلاقی و معنوی است. البته زیارت به طور کلی در این باره نقش ایفا می کند، هرچند زائرین زیارتنامه ها را نخوانند.

نتیجه گیری

آنچه از این نوشتار می توان نتیجه گرفت این است که بسیاری از ویژگی ها و آثار و کارکردهای زیارت (مانند استجابت دعا، شکستن دل و پیدا کردن حال خوب، توبه و بازگشت به خدا) عمدتاً در دل همین ویژگی ها قرار دارند. از این رو هنگام بررسی های علمی درباره زیارت و ویژگی های آن (همچون ارزیابی آثار زیارت در افراد و تحول معنوی زائران) مطالعه ویژگی های شش گانه پیش گفته می تواند ما را به مقصود برساند. همچنین در بررسی متون دینی در زمینه زیارت می توان عبارات مربوط را در موارد ذیل جای داد. به هر حال این ویژگی های شش گانه آن قدر وسیع و فراگیر است که ویژگی های جزئی دیگر ذیل آن جای می گیرد.

منابع

قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

۱. آذربایجان، مسعود (۱۳۹۰ش)، روان شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش)، کامل الزیارات، نجف، دارالمرتضویة.
۳. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق)، المزار الکبیر، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ اول.
۴. امینی، علیرضا، و دیگران (۱۳۷۹ش)، معارف اسلامی ۲، تهران، دفتر نشر و پخش معارف.
۵. حیدری، مجتبی (۱۳۹۷ش)، درآمدی بر روان شناسی زیارت، تهران، مشعر، چاپ اول.
۶. دادستان، پریخ (۱۳۸۶ش)، روان شناسی مرضی تحولی: از کودکی تا بزرگسالی، تهران، سمت.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت / دمشق، دار القلم / دار الشامیة، چاپ اول.
۸. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ اول.
۹. ----- (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۱۰. طاهری، سید محمود (۱۳۹۳ش)، زیارت از دیدگاه علما و عرفای فریقین، تهران، مشعر، چاپ اول.
۱۱. فرانکل، ویکتور امیل (۱۳۸۵ش)، انسان در جستجوی معنی، ترجمه نهضت صالحیان و مهین میلانی، تهران، درسا.
۱۲. فیست، جس، و دیگران (۱۳۹۴ش)، نظریه های شخصیت (ویراست هشتم)، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، نشر روان.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
۱۴. لگن هاوسن، محمد (۱۳۷۹ش)، «تجربه دینی در نظرخواهی از دانشوران»، فصلنامه نقد و نظر، س ۶، ش ۲۳-۲۴، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.

۱۶. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲ش)، خودشناسی برای خودسازی / به سوی خودسازی (مشکات ۲ و ۱- ۵/۲)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۹۲ش)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲ (مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی)، تهران، انتشارات صدرا.
۱۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، کتاب المزار- مناسک المزار، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید رحمته الله علیه، قم، چاپ اول.
۱۹. ملکیان، مصطفی (۱۳۸۵ش)، «تأثیر دین در منش آدمی»، فصلنامه علامه، ش ۳، تبریز، دانشگاه تبریز.
۲۰. نراقی، محمدمهدی (۱۴۰۰ش)، جامع السعادات، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.